

و شکر فظیم نعم است در مقابل احسان او و ازین سبب
است که بعضی بزرگان گفته اند که شکر بر عجز خود کوان دادن
است زیرا که بنده خود نعمت خدای تعالی می بیند که و ان تعدوا
الله نعمة لا تحصوها چون نعمتی در حصه نمی آید پس بنده جز او
تواند بودن بعضی گفته اند هر کسی را که نعمتی برسد او بپایان
که رساند آن نعمت خداست و بدان نعمت مغرور نشود و
وصاحب نعمت را فراموش نکند آن کس در مقام شکر باشد
چنان که در خبر است که موسی علیه السلام چندین کرامت کردی
و اونی فرمانی کرد و تو بروی رحمت کردی الهی شکر تو چیز
کوارد گفت یا موسی علم ان جمع ذلالتی یعنی دانستی که آن
نعمت باجل از من بدو واصل شد و منم مراد آنست و بعضی

گفته اند که شاکر کیست عاده باسند و عدل و عظم است ضد
و ظلم عبارتست از وضع شیء در غیر موضع و خدای تعالی
بندگان را بعد از احسان امر کرده و قوله تعالی ان الله یامر بالعدل
والاحسان ای سائلک راه حق بدان که عدل کردن سید نوع است
اول در اعتقاد دوم در اقوال سیوم در افعال عدل اعتقاد
دانست که اعتقاد کنی بر چه صحابه و تابعین کرده اند رضی الله
عنهم اما عدل در اقوال صدق است و لیس ان الله مع الصادقین
و قال رسول الله عليك بالصدق و این طست انك يا اعلی
تأجی و اللذب و ان طست انك هالك و شیخ ذالنون قدس
دو هم چنین فرموده است الصدق سیف الله فی الارض
و شیخ جنید رحمه الله علیه گفت است که صادق کسی است که بزرگ